خبر

پزشکیان:

رهبری خواستار پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بودند

رئیس‌جمهور در مراسم «روز ملی گرامیداشت صنعت و معدن»، با بیان اینکه انسجام ملی، پشتیبانی از تولید و تعامل سازنده، مهم‌ترین پشتوانه عبور کشور از شرایط دشوار است، بر عزم دولت برای رفع موانع تولید، تأمین پایدار انرژی صنایع، حمایت از فعالان اقتصادی و تداوم سیاست‌های تقویت تولید و سرمایه‌گذاری تأکید کرد. مسعود پزشکیان در آغاز سخنان خود با ادای احترام به مقام شامخ شهدا به‌ویژه مقام معظم رهبری شهید و با بیان اینکه تمامی شهدا با خون پاک خود، عزت و افتخار نظام اسلامی را برای همیشه در تاریخ رقم زدند، اظهار کرد: دشمنان با هدف ایجاد فشار داخلی و فروپاشی اجتماعی، جنگی تمام‌عیار را بر ملت ایران تحمیل کردند، اما شما تولیدکنندگان و صنعتگران غیور، با استقامتی کم‌نظیر در برابر همه مشکلات ایستادید و قدرت‌های بزرگ را در رسیدن به اهداف شومشان ناکام گذاشتید؛ تا جایی که آنها ناچار شدند به جای جنگ، تن به تعامل و گفت‌وگو دهند.

رئیس‌جمهور این پیروزی بزرگ را مرهون وحدت، همدلی و انسجام داخلی نامید و تصریح کرد: ما نیز در دولت، در سایه همین هم‌افزایی بخشی و فرابخشی، عهد بسته‌ایم که به مطالبات بحق شما فعالان اقتصادی جامه عمل بپوشانیم. شبانه‌روز با تمام توان می‌کوشیم تا به مطالبات و دغدغه‌های صاحبان فرایندهای اقتصادی و بنگاه‌ها پاسخ شایسته دهیم.

پزشکیان در ادامه با قدردانی از نقش بی‌بدیل تولیدکنندگان در تأمین مایحتاج کشور در روزهای سخت جنگ، خاطرنشان کرد: در حقیقت این شما بودید که در جبهه اقتصادی با دشمنان جنگیدید و اجازه ندادید کشور در آن شرایط حساس با کمبود و قحطی مواجه شود. هرچند حملات دشمن به زیرساخت‌های انرژی، نارسایی‌هایی در حوزه برق و انرژی ایجاد کرد و فشارهایی را بر شما وارد آورد، اما با مشارکت و همراهی مردم و هماهنگی تمام دستگاه‌های اجرائی، توانستیم مصرف برق را کنترل کنیم. دشمن گمان می‌کرد با هدف‌گیری تأسیسات حیاتی، کشور را به فروپاشی می‌کشاند، اما همدلی مردم و هم‌زبانی مسئولان، نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرد.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از بیانات خود، با گرامیداشت نقش هدایتگر مقام معظم رهبری شهید در تعیین مسیر راهبردی کشور، به‌ویژه درخصوص پایان وضعیت «نه جنگ، نه صلح»، گفت: اگرچه صداوسیما تنها بخشی از سخنان ایشان درباره عدم مذاکره را پخش می‌کنند، اما در جلسات خصوصی با معظم‌له، ایشان بر ضرورت خاتمه‌دادن به این وضعیت تأکید داشتند. برای همین، با تکیه بر عزت، مصلحت، حکمت و سربلندی کشور، مذاکرات را آغاز کردیم و دستگاه دیپلماسی ما هرگز از حقوق ملت ایران کوتاه نخواهد آمد.

پزشکیان با اشاره به نقش بی‌بدیل رهبر شهید در حمایت از دولت و تولیدکنندگان، خاطرنشان کرد: اعتقاد قلبی من این است که هر دستاوردی داریم، به برکت رهنمودهای رهبر شهید است که همواره پشتیبان ما بودند و اگر نارسایی‌هایی می‌دیدند، با ملایمت و در خفا تذکر می‌دادند. امروز نیز به پشتیبانی رهبر معظم انقلاب نیاز داریم و مسیر را با قدرت ادامه خواهیم داد. در راه خدمت به مردم، از شهادت هراسی نداریم؛ هیچ چیز ارزشمندتر از شهادت در راه خدمت به مردم نیست. مجموعه مدیران، صاحبان صنایع و اصناف، در دوران جنگ دستاوردهای بزرگی آفریدند که نباید با تفرقه و اظهارنظرهای نادرست، به آن خدشه وارد شود.

رئیس‌جمهور ادامه داد: اکنون نیز با افزایش ارتباط و سطح دسترسی بیشتر به رهبر عزیزمان، تمام اقدامات براساس رهنمودهای ایشان سامان یافته است. در این مذاکرات، گام‌به‌گام پیش رفتیم و موضع اصلی ما بازگشایی تنگه هرمز برای صادرات نفت و سایر موضوعات حیاتی بود، اما طرف مقابل تخلف کرد؛ با این حال دستاوردهای جمهوری اسلامی در این مسیر بسیار فراتر از انتظارات بود و توانستیم در زمانی کوتاه، مسائل متنوع را به خوبی مدیریت کنیم.

رئیس‌جمهور هم‌افزایی و تعامل سازنده را رمز پیشرفت و آبادانی کشور دانست و افزود: همه باید دست در دست هم دهیم تا گره از کار صنعتگران و فعالان اقتصادی و تمام اقشار مردم بگشاییم. من به‌عنوان رئیس‌جمهور و همه اعضای هیئت دولت، خود را موظف به ایفای تعهدات در قبال تولیدکنندگان و بنگاه‌ها می‌دانیم، اما این مهم نیازمند تعامل همه‌جانبه، تدبیر جمعی، اندیشه‌ورزی و هماهنگی میان تمام ارکان جامعه است.

دیدارهای وزیر کشور در پاکستان

وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران در دومین جلسه کاری خود در اسلام‌آباد با شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان دیدار کرد. اسکندر مؤمنی، وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران، دیروز در جریان سفر به اسلام‌آباد، در دومین جلسه کاری با شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان دیدار کرد. مؤمنی در اولین جلسه کاری در اسلام‌آباد با فیلد مارشال عاصم منیر، فرمانده ارتش و رئیس نیروهای دفاعی پاکستان دیدار کرد. در ادامه حضور در پاکستان مؤمنی دیداری با سناتور محسن رضا نقوی، وزیر کشور پاکستان داشت. وزیر کشور دوشنبه با استقبال محسن نقوی، همتای پاکستانی، وارد اسلام‌آباد شد. در این سفر، هیئتی متشکل از وزارتخانه‌های کشور، امور خارجه، راه و شهرسازی، جهاد کشاورزی و همچنین فراجا و گمرک، وزیر کشور را همراهی می‌کنند. وزیر کشور در بدو ورود به اسلام‌آباد پیگیری توافقات سفر رئیس‌جمهوری، توسعه روابط اقتصادی دوجانبه و همچنین بررسی تحولات منطقه‌ای را محور سفر هیئت ایرانی به اسلام‌آباد اعلام کرد. وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران صبح دیروز با حضور در نمای تاریخی در شهر اسلام‌آباد، به شهدا و بنیان‌گذاران پاکستان ادای احترام کرد.

«اسکندر مؤمنی» در مراسم بازدید از نمای تاریخی پاکستان از سوی سناتور طلال چودری، وزیر مشاور کشور پاکستان و رضا امیری‌مقدم، سفیر جمهوری اسلامی ایران همراهی شد. گروهی از نیروهای گارد ملی پاکستان برای استقبال از هیئت بلندپایه جمهوری اسلامی ایران در محل حضور یافتند. او با نثار گل به محل یادبود رهبران فقید پاکستان، یاد و خاطره شهدای نیروهای مسلح این کشور را گرامی داشت.

محمد مهاجری:

نباید درباره «حفره امنیتی» سکوت کرد

محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا گفت: اگر شهادت رهبر معظم انقلاب، فرماندهان نظامی و چهره‌های ارشد کشور نتیجه وجود حفره امنیتی نبوده، پس چه نامی می‌توان بر آن گذاشت؟ اگر این علت را نپذیریم، آن‌وقت باید بپذیریم ضعف‌های بزرگ‌تری وجود داشته که از حفره امنیتی هم فراتر و مهم‌تر هستند. او در ادامه افزود: آقای عراقچی موضوع تازه‌ای را مطرح نکرد، او به مسئله‌ای اشاره کرد که همه مردم در جامعه نیز به آن آگاه هستند و برایشان سؤال است؛ آن «موضوع نفوذ اسرائیل در ایران» است. این موضوع دیگر قابل کتمان نیست. سکوت درباره حفره امنیتی به ضرر کشور است. هنگامی که یک مقام مسئول به چنین آسیبی اشاره می‌کند، در واقع زنگ خطر را به صدا درآورده است. نباید منتظر ماند تا رسانه‌های معاند این موضوع را مطرح کنند و سپس به فکر چاره افتاد. پشت این اتفاقات و حملات به آقای عراقچی، کاسبان تحریم هستند که نوکران بی‌جیره و مواجبی دارند و آنان را به میدان می‌فرستند تا به آقای عراقچی حمله کنند.

عکس: سهند ناکی، شرق

بازخوانی معادلات نوین سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی و نظامی ایران و ایالات متحده در گفت‌وگو با سیداحمد کاظمی‌موسوی

جنگ، ایران و بازتعریف هویت

موسوی: آمریکا علاقه‌ای به جنگ زمینی در ایران و تحمل تلفات گسترده در خاورمیانه ندارد

عبدالرحمن فتح‌الهی: جنگ‌های تحمیلی اخیر، بیش از آنکه صرفا موازنه‌های نظامی را دستخوش تغییر کند، زمینه‌ساز شکل‌گیری دو روایت هم‌زمان از «ایران» در فضای رسانه‌ای و تحلیلی شده است؛ از یک سو، ایران به‌مثابه یک قدرت سیاسی و نظامی در کانون توجه قرار گرفته و از سوی دیگر، این نگرانی پدید آمده که برجسته‌شدن مؤلفه‌های امنیتی، لایه‌های عمیق‌تر هویت تاریخی و تمدنی ایران را به حاشیه براند. با این حال، پرسش اساسی آن است که آیا این دو روایت الزاما در تقابل با یکدیگر قرار دارند یا می‌توان قدرت سخت و قدرت نرم را دو جلوه مکمل از یک واقعیت تاریخی واحد دانست؛ واقعیتی که در آن، امنیت و فرهنگ، هر دو در تداوم نقش و جایگاه ایران در منطقه سهم دارند؟ پاسخ به این پرسش و بررسی ابعاد مختلف آن، دستمایه گفت‌وگویی تفصیلی با دکتر سیداحمد کاظمی‌موسوی شده است؛ چهره‌ای با سابقه حضور در عرصه دیپلماسی ایران و مأموریت‌های خارجی در کانادا، آمریکا، عراق و مصر که تجربه تدریس در دانشگاه‌های میرلند، ویرجینیا، جورج واشینگتن و مالزی را نیز در کارنامه دارد. روایت کامل این گپ‌وگفت را در ادامه می‌خوانید.

•••

به دنبال جنگ‌های تحمیلی اخیر، ظاهرا در فضای رسانه‌ای و تحلیلی از دو قرائت درباره «ایران» یا «سوژه ایران» سخن می‌گویند؛ نخست، قرائتی فرهنگی-تاریخی که بر مفهوم «ایران فرهنگی» استوار است و دوم، قرائتی سیاسی-نظامی که به‌ویژه پس از جنگ ۴۰روزه و نیز دور تازه جنگ در مناطق جنوبی کشورمان و پاسخ‌های ایران در کشورهای عربی منطقه بیش از گذشته برجسته شده است. برخی معتقدند غلبه روایت دوم موجب شده روایت تاریخی و فرهنگی ایران تا حدی به حاشیه رانده شود. با توجه به سال‌ها تجربه شما در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی و حضورتان در تحولات منطقه، ارزیابی‌تان از تصویر کنونی ایران چیست؟

به نظر من، «ایران فرهنگی» برخلاف آنچه در پرسش مطرح شد، به حاشیه نرفته و همچنان حضوری پررنگ دارد.

اما دارند سعی می‌کنند ایران را تهدید منطقه‌ای و عامل ناامنی جلوه دهند؛ غیر از این است؟

این تلاش‌ها همیشه در جریان بوده و چیزی تازه‌ای نیست. اما «سوژه ایران» با قرائت تاریخی و فرهنگی اصیل همواره بوده و هست... .

کشورهای منطقه برداشت شما را دارند؟

بله.

چطور؟

کافی است به تحولات چند هفته اخیر بنگریم. برای نمونه، پس از امضای تفاهم اولیه با ترامپ، در جریان سفر چهار هفته قبل پزشکیان به پاکستان و دیدارهای ایشان با مقامات آن کشور، جلوه‌ای روشن از «ایران فرهنگی» به نمایش درآمد. اشعاری از سعدی که شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در دیدار با رئیس‌جمهور ایران قرائت کرد و پاسخ متقابل دکتر پزشکیان با ابیاتی از اقبال لاهوری، به‌خوبی نشان داد ایران، افزون بر جایگاه سیاسی خود، همچنان از سرمایه‌ای عمیق و اثرگذار در عرصه فرهنگ و تمدن برخوردار است و این سرمایه در مناسبات منطقه‌ای حضوری زنده و مؤثر دارد.

نمونه‌هایی از این دست که اشاره کردید در مقابل تلاش برای نشان‌دادن چهره مخرب ایران سیاسی کم‌رمق نیستند؟

قبل‌تر گفتم ایران سیاسی نیز همواره وجود داشته است. سیاست جزء جدایی‌ناپذیر هر کشوری است و نمی‌توان آن را از حیات یک ملت منفک دانست. با این حال، در تاریخ ایران، سیاست و حتی قدرت نظامی هیچ‌گاه به‌طور کامل از دیپلماسی جدا نبوده‌اند. هرگاه ایران به موفقیتی نظامی دست یافته، آن موفقیت معمولا با تلاش‌های دیپلماتیک و سیاسی همراه شده است. برای مثال، اگر نادرشاه افشار را یکی از آخرین فاتحان بزرگ تاریخ ایران بدانیم، می‌بینیم با وجود شخصیت نظامی و فتوحات گسترده‌اش، دو مجلس مهم برگزار کرد؛ یکی در دشت مغان و دیگری در نجف. مجلس نجف به تفاهمی میان شیعه و سنی انجامید که بعدها به «وثیقه نجف» شهرت یافت. این رویداد نشان می‌دهد حتی یک فرمانده نظامی نیز برای تثبیت دستاوردهای خود، مذاکره و گفت‌وگو را ضروری می‌دانست. همچنین نادرشاه، با وجود درگیری‌های گسترده با امپراتوری عثمانی، از تلاش برای مذاکره با رقیب و دشمن خود غافل نشد. این موضوع نشان می‌دهد در تاریخ ایران، دیپلماسی همواره در کنار قدرت نظامی حضور داشته است؛ زیرا بدون گفت‌وگو، روابط دیپلماتیک و تعامل بین‌المللی، بهره‌برداری پایدار از یک پیروزی نظامی امکان‌پذیر نیست. شاید بتوان گفت نادرشاه از برخی اقدامات سیاسی و دیپلماتیک خود، مانند مجلس نجف، بیش از برخی فتوحات نظامی بهره برد.

از سوی دیگر، برای من جالب است حتی مخالفان و دشمنان ایران نیز گاه ناخواسته بر جنبه تمدنی و فرهنگی ایران تأکید می‌کنند. برای مثال، در آوریل گذشته، دونالد ترامپ که از جهات مختلف با معیارهای رایج سیاست بین‌الملل و عرف دیپلماتیک فاصله دارد، در جریان سخنان و تهدید خود درباره احتمال حمله‌ای دیگر، از این تعبیر استفاده کرد که «امشب یک تمدن نابود خواهد شد». فارغ از انگیزه او، این تعبیر نشان می‌دهد ایران در ذهن مخاطبان جهانی صرفا یک قدرت نظامی نیست، بلکه پیش از هر چیز یک «تمدن» است؛ و این تمدن، بیش از آنکه بر قدرت نظامی استوار باشد، بر میراث فرهنگی و تاریخی ایران تکیه دارد. اگر به گذشته بازگردیم، نخستین مواجهه بزرگ ایران با جهان غرب، در تعامل با یونان و سپس روم شکل گرفت. همین مواجهات در منابع آموزشی اروپا و آمریکا نیز بازتاب یافته است. حتی در یونان باستان نیز از تأثیر اندیشه‌هایی که از ایران و هند آمده بود، سخن گفته می‌شد. بنابراین، آنچه ایران را به جهان شناساند، پیش از هر چیز تمدن و فرهنگ آن بود.

نمونه روشن این موضوع، کوروش بزرگ است. شهرت جهانی او فقط به دلیل فتوحات نظامی نبود، بلکه بیش از همه به سبب منشوری است که پس از فتح بابل صادر کرد؛ منشوری که از منظر فرهنگی و تاریخی اهمیت فراوانی دارد. در واقع، خود کوروش در فتح بابل مستقیما وارد جنگ نشد و شهر پیش از ورود او به دست یکی از فرماندهانش گشوده شده بود. اهمیت تاریخی این واقعه بیش از آنکه در فتح نظامی باشد، در رویکردی است که کوروش پس از ورود به بابل در پیش گرفت. در کتیبه مشهور خود نیز کوروش بیش از هر چیز بر هویت «پادشاه پارس» تأکید می‌کند. همین عنوان بود که بعدها در منابع یونانی و سپس اروپایی و آمریکایی مبنای شناخت ایران قرار گرفت. مفهوم «ایران» به معنای هویت سیاسی و سرزمینی که امروز می‌شناسیم، بعدها و به‌ویژه در دوره ساسانی، با عنوان «ایرانشهر» صورت‌بندی روشن‌تری یافت. حتی در دوره اشکانی نیز تأکید اصلی بر سنت پادشاهی پارس بود. از این‌رو، ریشه‌های هویت تاریخی ایران را باید در پیوند میان فرهنگ، تمدن و دولت جست‌وجو کرد، نه صرفا در قدرت نظامی.

باز هم می‌خواهم در مقابل تحلیل شما بایستم. با توجه به پیشینه تاریخی و فرهنگی ایران که به آن اشاره کردید، اگر از گذشته فاصله بگیریم و به معادلات امروز بنگریم، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ایران در عرصه دیپلماسی عمومی و قدرت نرم دچار ضعف شده است، به‌گونه‌ای که وجه سیاسی و نظامی بیش از ابعاد فرهنگی و تمدنی برجسته شده باشد یا آنکه این وضعیت، بخشی از یک راهبرد و اقتضای اجتناب‌ناپذیر شرایط کنونی کشور است؟

به نظر من، ایران امروز هم از ظرفیت‌های دیپلماتیک برخوردار است و هم از توانمندی‌های نظامی. طبیعی است در کشور، گروه‌هایی از نسل جوان و تا حدودی تندرو با شور جوانی حضور دارند که در عرصه‌های مختلف فعالیت کرده‌اند و دستاوردهایی نیز داشته‌اند که بخشی از آن به اعتبار و اقتدار ایران بازمی‌گردد؛ در این موضوع تردیدی نیست. با این حال، مسئله آن است که دیپلماسی ما در سال‌های اخیر تا اندازه‌ای در سایه تحولات میدانی قرار گرفته است، در حالی که دیپلماسی باید جایگاه مستقل خود را حفظ و نقش ویژه خود را ایفا کند. در سال‌های گذشته نیز این بحث مطرح بود که آیا «میدان» بر «دیپلماسی» تقدم یافته است یا خیر. ولی آنچه از سخنان سال‌ها قبل محمدجواد ظریف نیز به یاد دارم، ناظر بر همین دغدغه بود که میدان در عمل نقش پررنگ‌تری یافته است. البته این به معنای کم‌اهمیت دانستن میدان نیست. مقاومت ایران، ازجمله در جنگ ۴۰روزه و همچنین دور تازه درگیری‌ها، از نگاه بسیاری از ناظران خارجی نیز مورد توجه قرار گرفت. حتی در برخی رسانه‌های غربی، ازجمله در آلمان، این تحلیل مطرح شد که ایستادگی ایران موجب تحقیر آمریکا شده است. با این‌همه، هر پیروزی نظامی زمانی معنا و دوام پیدا می‌کند که پشتوانه اقتصادی داشته باشد. هیچ موفقیت نظامی بدون اتکا بر اقتصاد، توسعه و سازندگی پایدار نخواهد ماند. اگر به تاریخ ایران نیز نگاه کنیم، می‌بینیم دوران‌های شکوفایی صرفا بر قدرت نظامی استوار نبوده‌اند، بلکه همواره با رونق اقتصادی، آبادانی و توسعه همراه بوده‌اند. برای نمونه، درباره نادرشاه افشار نیز می‌توان گفت با وجود فتوحات گسترده و ثروتی که از هند به ایران آورد، آن سرمایه عظیم نتوانست به‌طور کامل در مسیر توسعه اقتصادی کشور به کار گرفته شود. بنابراین، در ارزیابی هر موفقیت نظامی، باید پیامدها و ظرفیت‌های اقتصادی آن نیز سنجیده شود. از این‌رو، اعتقاد دارم دیپلماسی ایران وجود دارد، اما در شرایط کنونی بیش از اندازه در سایه قرار گرفته و این میدان است که بیشتر دیده می‌شود. تأکید من این نیست که نقش میدان کم‌رنگ شود، بلکه معتقدم باید میان قدرت میدانی و عقلانیت دیپلماتیک توازن برقرار باشد.

ولی آیا این گزاره پررنگ‌تر نشده که کشورهای عربی در حال شکل‌دهی به یک جبهه واحد علیه ایران بعد آغاز دور تازه جنگ و پاسخ تهران هستند؟

با آغاز دور جدید تنش‌ها از دو هفته قبل تاکنون معادلات قدری تغییر کرده و در این شکی نیست. ولی پیرو سؤال شما درباره روابط ایران با کشورهای عربی نیز گاه این تصور مطرح می‌شود که جبهه‌ای فراگیر علیه ایران شکل گرفته است، اما واقعیت را باید با دقت بیشتری دید. عمان همواره روابط دوستانه خود را با ایران حفظ کرده است. مصر نیز با وجود اختلافات سیاسی، هیچ‌گاه در مسیر تقابل نظامی با ایران حرکت نکرده است. برای مثال، در ماه‌های اخیر آقای عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، به دعوت امارات متحده عربی و قطر به این کشورها سفر کرد. مصر از بزرگ‌ترین کشورهای عربی و دارای یکی از مهم‌ترین ارتش‌های منطقه است، اما این کشور نه‌تنها وارد رویارویی با ایران نشده، بلکه بدر عبدالعاطی، وزیر خارجه مصر نیز در ماه‌های گذشته تلاش‌هایی برای تسهیل تفاهم میان ایران و آمریکا انجام داد؛ هرچند نقش اصلی در آن مقطع بر عهده پاکستان و تا حدودی هم قطری‌ها بود. پس کشورهای عربی در قبال ایران معادلات خود و همچنین ملاحظات خود را دارند.

ولی مناسبات تهران و قاهره حتی در سطح سفیر هم نیست و... .

این موضوع دیگری است. بله همچنان برخی موانع در روابط تهران و قاهره وجود دارد؛ ازجمله حساسیت مصر نسبت به نام برخی خیابان‌های تهران که از دیدگاه آنان به شخصیت‌هایی منتسب است که در ترور مقام‌های مصری نقش داشته‌اند. با وجود این اختلافات، مشاهده می‌کنیم که مصر همچنان از گفت‌وگو و کاهش تنش استقبال می‌کند. حتی با وقوع دوباره جنگ نیز این تلاش‌ها ادامه دارد. اجازه دهید از تجربیات سال‌ها حضورم در مصر بگویم. در دوران مأموریت دیپلماتیک خود در قاهره، از نزدیک شاهد بودم که بسیاری از دانشجویان مصری نگاه مثبتی به ایران فرهنگی دارند. آنان ایران را صرفا از منظر قدرت نظامی نمی‌بینند، بلکه برای میراث تمدنی و فرهنگی آن نیز احترام قائل‌اند. همین نگاه را در برخی دیگر از کشورهای عربی منطقه نیز می‌توان مشاهده کرد.

با نمونه مصر می‌توان برای کل خاورمیانه نسخه پیچید؟

البته که نه. در کشورهای حاشیه خلیج فارس و حتی در عراق نیز در مقاطع مختلف تنش‌هایی وجود داشته است، اما این اختلافات را نباید دائمی و حل‌نشدنی تلقی کرد. ما با همین کشورها نقاط مشترک فراوان فرهنگی، دینی و تاریخی داریم و اگر از ظرفیت دیپلماسی فرهنگی به‌درستی بهره بگیریم، امکان نزدیک‌ترشدن دیدگاه‌ها وجود خواهد داشت. به اعتقاد من، ما از سرمایه عظیم دیپلماسی فرهنگی خود آن‌گونه که باید استفاده نکرده‌ایم. این ظرفیت تنها به مراسمی مانند اربعین محدود نمی‌شود. ایران در حوزه علوم اسلامی، فقه، اصول، فلسفه، زبان و ادبیات عرب و دیگر عرصه‌های علمی سهم بزرگی در تمدن اسلامی داشته است و این میراث باید بیشتر معرفی شود.

برای نمونه، بسیاری از بزرگ‌ترین دانشمندان نحو و دستور زبان عربی، همچون سیبویه، ایرانی بوده‌اند. همچنین بسیاری از برجسته‌ترین محدثان جهان اسلام، چنان‌که ابن‌خلدون نیز به آن اشاره کرده است، ایرانی بوده‌اند؛ شخصیت‌هایی مانند بخاری، مسلم نیشابوری، نسائی، ترمذی و ابن‌ماجه قزوینی. اینها سرمایه‌های تمدنی ایران هستند که کمتر درباره آنها سخن گفته می‌شود. به همین ترتیب، در فلسفه و علوم عقلی نیز چهره‌هایی همچون ابوعلی سینا، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی و دیگر اندیشمندان ایرانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری تمدن اسلامی داشته‌اند. ابن‌سینا افزون بر آثار عربی خود، آثاری ارزشمند به زبان فارسی نیز نگاشته است. خواجه نصیرالدین طوسی نیز هم در علوم عقلی و کلام با آثاری همچون تجریدالاعتقاد و هم در اخلاق و نجوم آثاری ماندگار از خود بر جای گذاشته است. اسلام نیز منحصر به ایران نیست و نباید چنین تلقی شود. بسیاری از کشورهای اسلامی نسبت به اهل‌بیت(ع) و واقعه عاشورا احترام عمیق دارند. در ترکیه نیز مشاهده کرده‌ام که عاشورا شناخته‌شده است و حتی گروه‌هایی در آن روز روزه می‌گیرند. پس در مجموع، معتقدم ایران فرهنگی، به‌ویژه در دوران پس از اسلام، جلوه‌ای درخشان یافته است. ظهور شخصیت‌هایی مانند ابن‌سینا، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی و دیگر بزرگان، نشان می‌دهد که ایران چگونه توانسته است در شکل‌گیری تمدن اسلامی نقشی اساسی ایفا کند.

در پایان پاسخ به این پرسش شما، مایلم به بیتی از حافظ اشاره کنم که به گمان من، با شرایط امروز نیز تناسب دارد؛ «مباش غرّه به بازی خود که در ضَرب است/ هزار تعبیه در حُکم پادشاه‌انگیز» و نیز آن مضمون مشهور که سیاست و تدبیر را سرشار از پیچیدگی می‌داند و هشدار می‌دهد که در عرصه سیاست، هزاران تدبیر و ظرافت نهفته است. مقصود من این است که در کنار توان نظامی، باید به عقلانیت، تدبیر، اقتصاد و فرهنگ نیز توجه کنیم. امروز ایران از سرمایه انسانی بسیار ارزشمندی برخوردار است. جوانان ایرانی در حوزه‌های مدیریت، اقتصاد، فناوری، مهندسی و علوم نوین توانایی‌های فراوانی دارند. دانشگاه‌هایی مانند دانشگاه صنعتی شریف نیز از جایگاه علمی بالایی برخوردارند و این ظرفیت‌ها باید در خدمت پیشرفت کشور قرار گیرند. در نهایت، باور من این است که میان «ایران فرهنگی» و «ایران مقتدر» نباید تقابلی وجود داشته باشد؛ بلکه این دو باید در تعامل و گفت‌وگو با یکدیگر، مکمل همدیگر باشند. قدرت نظامی زمانی پایدار و اثرگذار خواهد بود که بر پایه فرهنگ، دانش، اقتصاد و دیپلماسی استوار باشد.

از زاویه دیگری پرسشم را مطرح کنم. حتی اگر موضوع جبهه واحد عربی علیه ایران را هم کنار بگذاریم، به نظر می‌رسد برخی کشورهای عربی در حال بازتعریف مناسبات ژئوپلیتیکی خود در قبال تنگه هرمز هستند و سعی دارند این تنگه را به شکل‌های مختلف دور بزنند. از عربستان و امارات تا عراق و حتی پروژه‌هایی که سال‌ها متوقف مانده بود، اکنون در حال احیاست؛ مانند خط لوله عراق و سوریه که بعد از چهار دهه دوباره با سفر علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، به آمریکا و دیدار مقامات عراق با دولت احمد الشرع در حال احیاست. با توجه به تجربه طولانی شما در مأموریت‌های دیپلماتیک منطقه، آیا شما نیز معتقدید که با پیچیده‌ترشدن معادلات تنگه هرمز، ژئوپلیتیک منطقه در حال ورود به مرحله‌ای تازه است و این تحولات می‌تواند بر جایگاه ایران تأثیر بگذارد؟

این موضوع تلاش عراق، سوریه و آمریکا برای احیای خط لوله مشترک برای من جالب است، اما بشخصه آن را به آن اندازه که گاه مطرح می‌شود، جدی نمی‌بینم. حداقل در گزارش‌های خبری گفته شده اجرای کامل پروژه احیای خط لوله عراق و سوریه به دو سال زمان نیاز دارد. ضمنا حتی اگر این پروژه اجرائی شود، به زمانی طولانی نیاز خواهد داشت تا به بازده عملیاتی برسد. لذا بعید می‌دانم به سرعت آثار تعیین‌کننده‌ای بر معادلات منطقه بر جای بگذارد.

پس معادلات تنگه هرمز، ژئوپلیتیک منطقه را تغییر نداده است؟

من چنین حرفی نزدم.

برداشتم از حرف‌های شما چنین بود!

اشتباه برداشت کردید. ببینید ما در موضوع تنگه هرمز با مسائل مهمی روبه‌رو هستیم. گاهی احساس می‌کنم ما ایرانی‌ها بیش از اندازه خود را باهوش می‌دانیم و سطح توقعاتمان از واقعیت‌های موجود در منطقه و نیز نوع واکنش بازیگران و کشورهای منطقه فراتر می‌رود. این را براساس تجربه شخصی خود می‌گویم. اکنون نزدیک به ۹۰ سال از عمرم می‌گذرد و در کشورهای مختلفی ازجمله مالزی، عراق، مصر و ترکیه زندگی کرده‌ام یا مأموریت داشته‌ام و سال‌ها نیز در دانشگاه‌های استانبول تدریس کرده‌ام. حاصل این تجربه آن است که در بسیاری از موارد، انتظارات ما با امکانات و واقعیات موجود همخوانی ندارد. در موضوع تنگه هرمز نیز باید با نگاه حقوق بین‌الملل عمل کنیم. همان‌گونه که وضعیت تنگه «بسفر» یا کانال سوئز براساس قواعد مشخص بین‌المللی اداره می‌شود، ما نیز باید جایگاه حقوقی خود را بر همان مبنا تعریف کنیم. آنچه در حقوق بین‌الملل برای کشور ساحلی قابل مطالبه است، حق دریافت هزینه‌های خدمات راهنمایی و مدیریت عبور و مرور است، نه ایجاد محدودیت برای اصل ترانزیت بین‌المللی. در عین حال، نباید اجازه دهیم تنگه هرمز به عاملی برای فشار بر خود ایران تبدیل شود. در کنار حفظ حقوق ملی، باید راهکارهای دیپلماتیک نیز همواره مدنظر باشد. این را هم بگویم که در مصاحبه تأکید زیادی روی شکل‌گیری جبهه‌ای متحد از کشورهای عربی علیه ایران داشتید که من از ابتدا با آن مخالف بوده و هستم. در عین حال، شما به خط لوله مشترک عراق و سوریه و سفر علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، به آمریکا و دورزدن تنگه هرمز اشاره کردید، اما در مورد کشور عراق که سال‌ها در آنجا حضور دیپلماتیک داشته‌ام، باور دارم پیوندهای مذهبی و فرهنگی عراق به‌ویژه اشتراکات شیعی، همچنان برای ایران نفوذ و ظرفیت درخور توجهی ایجاد کرده است. بنابراین، تصور نمی‌کنم شرایط به آن شدتی باشد که گاهی توصیف می‌شود؛ مگر آنکه تحولات آینده، مسیر دیگری را رقم بزنند.

گفت‌وگوی کامل را در سایت شرق بخوانید

www.sharghdaily.ir

پست بانک ایران

فراخوان مزایده عمومی فروش چهار دستگاه ساختمان پست بانک ایران

نوبت اول

پست بانک ایران در نظر دارد مزایده عمومی به شماره ۳-۸-۱۴۰۵ در خصوص فروش چهار دستگاه ساختمان پست بانک ایران را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت با شماره فراخوان (مزایده) ۲۰۰۵۰۰۱۵۴۹۰۰۰۰۰۲ برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

تاریخ انتشار مزایده در سامانه ستاد ایران ۱۴۰۵/۰۴/۲۵ می باشد.

مهلت زمانی بازدید ساختمان و دریافت اسناد مزایده از سایت: تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰

محل بازدید واقع در آدرس های شرایط عمومی مزایده می باشد.

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد : تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴

زمان بازگشایی پیشنهادات : ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵

یادآوری ۱: اصل تضمین (پاکت "الف") می بایستی حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ تحویل دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در آدرس ذیل گردد.

اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مزایده و بارگذاری اسناد به آدرس: خیابان قائم مقام فراهانی، بالاتر از تقاطع شهید مطهری، کوچه عرفان پلاک ۱، طبقه سوم، دبیرخانه کمیسیون معاملات تلفن: ۸۱۵۶۳۰۶۱

شناسه آگهی ۲۲۳۰۲۹۶ م الف ۱۲۵۹